

الگوی زنان نمونه در قرآن

فاطمه غلامی باصری^۱

چکیده:

مقاله حاضر با عنوان الگوی زنان نمونه در قرآن می‌باشد. به جهت نیاز به الگو و اهمیتی که در زندگی هر فرد دارد به این مسئله پرداخته شده است. الگوهای شایسته عاملی برای پیشرفت افراد هستند و برعکس الگوهای کاذب انسان را از مسیر منحرف کرده و دچار خسران می‌کنند. بحث از الگو از آن جهت حایز اهمیت است که نقش مهمی را در زندگی فرد ایفا می‌کند و سرنوشت وی رقم می‌خورد. انسان به دلیل میل به کمال جویی که دارد باید اسوه‌ای را برای خود انتخاب کند که بتواند به کمال و سعادت برسد. قرآن کریم از الگو سخن گفته و تاکید بر الگوی شایسته نموده است. هدفی که مقاله حاضر دنبال می‌کند این است که اصلاً چرا به الگو نیاز است و علاوه بر این معرفی الگوهای برتر در خصوص زنان است چرا که زنان نیز مانند مردان می‌توانند الگو باشند و ملاک مرد بودن یا زن بودن نیست. خداوند در قرآن خصوصیات و ویژگی‌هایی را برای الگو برمی‌شمارد که می‌توان با پیروی از آنها به هدایت رسید و موفق شد.

کلیدواژه‌ها: الگو، زن، قرآن، نمونه.

^۱ - سطح دو، حوزه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) - شیراز. Qlamishiraz@gmail.com

مقدمه:

خداوند در قرآن کریم برای تربیت انسان شیوه‌های مختلفی ارائه می‌دهد. روش‌هایی که هر کدام تأثیری خاص بر روح و روان و منش رفتاری انسان می‌گذارد. روش‌هایی هم چون بشارت به نعمت‌های جاودان، بیم دهی از عذاب همیشگی، بیان سرگذشت گذشتگان، داستان پیامبران، از تمثیل و... است یکی از موثرترین و کارآمدترین شیوه‌های تربیتی که در قرآن کریم بسیار مورد توجه قرار گرفته، ارائه‌ی الگوهای شایسته به طور مستقیم یا غیر مستقیم می‌باشد. تعیین الگوهای صحیح و تأکید بر پیروی از ایشان و نیز رسوا کردن الگوهای ناصحیح و غلط و درهم کوبیدن بت‌های فکری و فرهنگی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی قرآن کریم است.

الگوسازی یکی از راه‌های تربیت انسان‌ها است. اگر الگوها مثبت و متعالی باشند، انسان‌ها به سوی کمال و نور، هدایت می‌گردند و برعکس اگر الگوها در جهت منفی و مسائل نفسانی و شهوانی بشوند الگوبرداران نیز به همان سمت و سو جذب خواهند شد. فرهنگ غرب، الگوسازی را بسیار جدی گرفته است و با در اختیار داشتن ابزارهای پیش رفته ارتباطی، تلاش گسترده‌ای را برای تحمیل الگوهای مورد نظر خود به عمل می‌آورد و در این زمینه موفق شده است که مشخصه‌های فرهنگ تحمیلی یعنی مد گرایی، مصرف زدگی و... را در جوامع ترویج نماید.

اسلام نیز الگو را بسیار مؤثر در هدایت جامعه به سوی رستگاری می‌شناسد و لذا هم در قرآن کریم به معرفی الگوهای مثبت و هادیان نور پرداخته است و هم در عالم واقع، پیامبران و ائمه معصومین را به عنوان رهسپاران رستگاری و رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی معرفی نموده است. در این تحقیق از آن جهت که مرتبط به بحث الگو دادن به زنان است به معرفی و شرح الگوهای قرآنی زنان پرداخته می‌شود. جنس زن به دلیل وظیفه خطیر و مهمی که در زمینه همسری و مادری و از همه مهم‌تر حفظ و کرامت شخصیت خویش برعهده دارد بایستی که الگوهای درست را برگزیند تا از الگوهای فاسد فاصله گیرد و در جهت درست حرکت کند. یکی از مؤثرترین نیروهای فطری آدمی، میل به تقلید و اسوه‌پذیری و یکی از امکانات، سیره و تجربه کمال یافتگان است. زنان نیز به عنوان نوع انسانی به دنبال اسوه و الگویی برای خود هستند. از این رو شناخت و معرفی الگوها و مربی‌های شایسته در تربیت این قشر از جامعه، امری ضروری است و در تربیت آنان تأثیر فراوانی دارد. این تحقیق بر آن است تا الگوهای زنان نمونه را که برای زنان نقش مهمی دارد و در زندگی آنان می‌تواند اثر بگذارد و با پیروی از این الگوها می‌توانند به موفقیت و سربلندی برسند، معرفی کرده و با استمداد از قرآن و روایات ویژگی آنان را بر شمرد.

۱- مفهوم شناسی

الف- الگو

نمونه، طرح.^۱

ب- زن

نقیض مرد باشد مطلق فردی از افراد اناث خواه منکوحه باشد و خواه غیرمنکوحه. مادینه انسان. مقابل رجل. انسان و ماده‌ای از نوع بشر و «امراه» و نساء و خاتون و بانو. جمع زنان.^۲

ج- نمونه

مثل، مانند. مقدار کمی از چیزی که به کسی نشان دهند، سرمشق، الگو.^۳

د- قرآن

در اصل مصدر است به معنی خواندن، بعضی‌ها در اصل به معنی جمع گرفتند که اصل قرء به معنی جمع است، در این صورت می‌توانند بگویند که آن مصدر از برای فاعل است. قرآن یعنی جامع حقایق و فرموده‌های الهی ولی با ملاحظه‌ی آن چه گذشت معنای اول مقبول‌تر است بلکه منحصر به فرد است.^۴ خواندن، قرائت کردن.^۵

ه- اسوه

اسوه در لغت به معنای مقتدا، پیشوا و پیشرو آمده است.^۶ ابن خلیل درباره معنای لغوی این واژه می‌نویسد: «وقتی می‌گویی این قوم و جماعت در امر خاصی اسوه دارد یعنی حالتشان در این امر یکی است.»^۷

۱. معین، فرهنگ فارسی معین، ص ۱۲۱.

۲. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص ۱۲۹۳۴.

۳. معین، فرهنگ فارسی معین، ص ۱۰۰۲.

۴. قرشی، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۲۶۲.

۵. معلوف، المنجد، ج ۱، ص ۱۴۱۶.

۶. عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۹۶.

۷. فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۲۲۳.

همچنین راغب اصفهانی در مورد معنای این واژه می‌نویسد: «اسوه حالتی است که در آن انسان از غیر خود اتباع و پیروی می‌کند، خواه خوب باشد یا بد، آشکار باشد یا پنهان.»^۱ با توجه به معنای لغوی این واژه و نظر به استعمال آن در عرف اهل لغت، در مورد معنای اصطلاحی این واژه می‌توان گفت: «اسوه یعنی کسی که با او اقتدا می‌کنند و لذا وقتی گفته می‌شود که دنبال او باش یعنی او را اقتدا کن و مثل او باش.»^۲ در ادبیات قرآنی، به طور مشخص از واژه‌ی اسوه استفاده شده است که به معنای مقتدا و قدوة است.^۳

این واژه در قرآن کریم تنها سه بار مورد استفاده قرار گرفته است. در یک جا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان اسوه حسنه دانسته شده است.

«و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.»^۴

در دو جای دیگر، حضرت ابراهیم (علیه السلام) و همراهان او را اسوه حسنه دانسته است.

«برای شما مؤمنان بسیار پسندیده و نیکوست که به ابراهیم و اصحابش اقتدا کنید که آنها به قوم (مشرک) خود گفتند: ما از شما و بت‌های شما که به جای خدا می‌پرستید به کلی بیزاریم، ما مخالف و منکر شما هستیم و همیشه میان ما و شما کینه و دشمنی خواهد بود تا وقتی که تنها به خدای یگانه ایمان آرید، الا آنکه ابراهیم به پدر (یعنی عموی) خود گفت: (اگر ایمان آری) من برای تو از خدا آمرزش می‌طلبم (که از شرک و عصیان گذشته تو درگذرد) و (هر گاه ایمان نیاوری) دیگر من بر نجات تو از (قهر و غضب) خدا هیچ کاری نتوانم کرد، بار الها، ما بر تو توکل کردیم و رو به درگاه تو آوردیم و بازگشت تمام خلق به سوی توست.»^۵

^۱ راغب اصفهانی، مفردات، ص ۱۴.

^۲ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۴.

^۳ طریحی، مجمع البحرين، ج ۱، ص ۷۶.

^۴ «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» احزاب: آیه ۳۳.

^۵ «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْنِكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» ممتحنه: آیه ۴.

به نظر می‌رسد اسوه در مفهوم قرآنی، به شخصی اطلاق می‌شود که در عمل، حالات، سلوک و روش، مورد اقتدا و تبعیت قرار می‌گیرد و هدف از این پیروی، اصلاح و بهبود شخصیت فردی و اجتماعی است.^۱ به هر حال اسوه در جایی گفته می‌شود که از دید شخص راهرو، پیروی از شخصیت مورد نظر در تجسم ارزش‌ها و آرمان‌ها پذیرفته شده است. دامنه تأثیرگذاری اسوه‌ها اعم از حوزه فردی، اجتماعی و تاریخی است. در حوزه فردی، نقش سرمشق‌ها اصلاح خصلت‌های شخصیتی است؛ در جامعه نقش سرمشق‌ها اصلاح مناسبات اجتماعی و سیاسی است و بالأخره در عرصه تاریخی، تأثیر اسوه‌ها به تغییر و تحول در جهت‌گیری‌های تاریخی ارتباط می‌یابد. اسوه‌ها، بسته به ظرفیت‌ای وجودی و بسترهای عینی یک یا چند نقش از نقش‌های سه گانه را ایفا کرده‌اند. انبیای بزرگ الهی و ائمه اطهار (علیهم السلام) هر سه گونه نقش الگویی را داشته‌اند.^۲ آن چه گفته شد مفهوم اسوه و الگو در متون اسلامی بود. در ادامه این بحث، مفهوم آن را در علوم دیگر پی می‌گیریم. الگو تعریف‌های گوناگونی دارد از جمله: «الگو به معنای مدل، گونه و هنجار است.»^۳ «الگو به افراد انسانی کامل و رشد یافته‌ای که لیاقت سرمشق بودن دیگران را دارند، اطلاق می‌گردد.»^۴ در علوم تربیتی و رفتاری، الگو «به طرح و نمونه‌ای از شکل یا اشیا و موردی از رفتار اطلاق می‌شود.... با کلمه الگو و رفتار می‌توان ساخت بدنی و جسمانی، ساخت رفتار، ساخت داده‌ها را مشخص کرد.»^۵ در جامعه شناسی، الگو یا مدل، به طریقه‌ای تجریدی برای نمایاندن روابط و پیوندهای متقابل میان پدیده‌های اجتماعی اطلاق می‌شود.^۶

۲- الگو از نظر قرآن

از نظر قرآن، انسان کامل الگوی همه زنان و مردان در همه عصرها و نسل‌ها است و اعم از زن و مرد می‌باشد. به عبارت دیگر مرد بودن یا زن بودن شرط کامل بودن انسان و انسان کامل بودن

۱. مصطفوی، التحقيق فی القرآن الکریم، ج ۱، ص ۷۹.

۲. سبحانی، الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، ج ۱، ص ۷۵-۷۶.

۳. بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۲۶۰-۲۶۱.

۴. همان، ص ۲۷۵.

۵. حسینی نسب، فرهنگ تعلیم و تربیت، ص ۶۳۴.

۶. سبحانی، الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، ص ۷۷.

نتیجه گیری:

الگو و انتخاب صحیح آن نقش مهمی را در زندگی هر فرد ایفا می‌کند، از این رو قرآن کریم به معرفی الگوهای شایسته پرداخته و تأکید به پیروی از ایشان و نیز رسوا کردن الگوهای ناصحیح و غلط و درهم کوبیدن بت‌های فکری و فرهنگی کرده است. الگوسازی یکی از راه‌های تربیت انسان‌ها است. اگر الگوها مثبت و متعالی باشند، انسان‌ها به سوی کمال و نور، هدایت می‌گردند و برعکس اگر الگوها در جهت منفی و مسائل نفسانی و شهوانی بشوند الگوبرداران نیز به همان سمت و سو جذب خواهند شد. اسلام، الگو را بسیار مؤثر در هدایت جامعه به سوی رستگاری می‌شناسد و لذا هم در قرآن کریم به معرفی الگوهای مثبت و هادیان نور پرداخته است و هم در عالم واقع، پیامبران و ائمه معصومین را به عنوان رهسپاران رستگاری و رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی معرفی نموده است. قرآن کریم آنگاه که سخن از گزینش الگوها و چرایی الگو به میان می‌آورد، خصوصیتی را نیز برای آنها بیان می‌کند که از جمله آن‌ها تنوع و گستردگی دامنه، حقیقی بودن و جنبه بشری بودن الگوها است.

الگوی فاسد و غلط می‌تواند انسان را به هلاکت و تباهی بکشانند و الگوی شایسته می‌تواند انسان را به سر منزل مقصود برساند. زنان نیز به عنوان نوع انسانی به دنبال اسوه و الگویی برای خود هستند. از این رو شناخت و معرفی الگوها و مربی‌های شایسته در تربیت این قشر از جامعه، امری ضروری است و در تربیت آنان تأثیر فراوانی دارد. آن هنگام که زنان در جاهلیت دچار محرومیت‌های اجتماعی و شخصیتی بودند با آمدن اسلام، شخصیت والای زن ارج نهاده شد و بیان شد که مرد بودن یا زن بودن ملاک نیست بلکه ملاک تقوا است همان طور که مرد می‌تواند به کمالات برسد زن نیز می‌تواند اسوه و الگو باشد و به کمال انسانی برسد و حتی می‌تواند الگو برای مردان بلکه برای انسان‌ها باشد. قرآن کریم به معرفی الگوهای شایسته‌ای برای زنان می‌پردازد که هر کدام در جایگاه خود و در عصر خود قهرمانانی بی‌بدیل هستند که با ایمان و توکل و صبر و... توانسته‌اند جایگاه واقعی خویش را دریابند و نمونه‌ی قرآنی شوند.

فهرست منابع:

* قرآن

الف - کتب فارسی

۱. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، (ترجمه‌ی باقر ساروخانی)، تهران، کیهان، ۱۳۷۵.ش.
۲. بابازاده، علی اکبر، سیمای زنان درقرآن، انتشارات لوح محفوظ، چاپ دوم، ۱۳۷۸.ش.
۳. بدران، تهذیب تاریخ دمشق، جلد ۷، بی جا، بی تا.
۴. بهشتی، احمد، درس‌هایی از زندگانی زنان نامدار، بی جا، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول، ۱۳۸۷.ش.
۵. باقری، خسرو، آسیب و سلامت در تربیت دینی، نشر تربیت اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.ش.
۶. جمعی از خواهران طلبه حوزه‌های علمیه، زن ازدیدگاه ادیان و مکاتب، قم، نصایح، چاپ اول، ۱۳۷۹.ش.
۷. جلیلی، محمدرضا، جایگاه زن در خانواده و اجتماع در اسلام و یهودیت، تهران، دستان، چاپ اول، ۱۳۸۳.ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله، زن در آیینه جلال و جمال، اسراء، ۱۳۹۶.ش.
۹. حسینی نسب، داوود، اصغر، علی اقدم، فرهنگ تعلیم و تربیت، احرار، چاپ اول، ۱۳۷۶.ش.
۱۰. حسینی، ابوالقاسم، اصول بهداشت روانی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۴.ش.
۱۱. دستغیب، عبدالحسین، زندگانی صدیقه کبری حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، موسسه مطبوعاتی دارالکتاب، ۱۳۸۷.ش.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد ۹، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.ش.
۱۳. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران، موسسه نشر و تحقیقات ذکر، چاپ سوم، ۱۳۷۷.ش.
۱۴. رسولی محلاتی، هاشم، تاریخ انبیا، جلد ۲، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۱.ش.

۱۵. سبحانی، محمد تقی، **الگوی جامع شخصیت زن مسلمان**، جلد ۱، مرکز نشر هاجر، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ه.ش.
۱۶. شعاری نژاد، علی اکبر، **فرهنگ علوم رفتاری**، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ه.ش.
۱۷. شفاهی و دیگران، زهرا، **تفسیر کبیر**، خانه کتاب ایران، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه.ش.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین، **زن در اسلام**، محمد مرادی، قم، علامه طباطبایی، چاپ اول، ۱۳۸۴ ه.ش.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، **المیزان**، (ترجمه‌ی محمدباقر موسوی همدانی)، جلد ۳، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۸۶ ه.ش.
۲۰. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۴ ه.ش.
۲۱. _____، **اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان**، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ه.ش.
۲۲. فهیم، کرمانی، مرتضی، **چهره زن در آیینه‌ی قرآن و تاریخ**، بی‌جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی‌تا.
۲۳. فتاحی زاده، فتحیه، **زن در تاریخ و اندیشه اسلامی**، موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ه.ش.
۲۴. فنائی اشکوری، محمد، **زن در تاریخ و اندیشه اسلامی**، قم، موسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه.ش.
۲۵. قطب، محمد، حسن، نیری، **تفسیر فی ضلال قرآن**، (علی خامنه‌ای)، جلد ۶، بی‌جا، چاپ اول، ۱۳۶۲ ه.ش.
۲۶. _____، **روش تربیتی اسلام**، (ترجمه‌ی محمد مهدی جعفری)، تهران، پیام، بی‌تا.
۲۷. قاسمی، محمد حمید، **روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن**، نشر بین الملل، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه.ش.
۲۸. کرمی فریدونی، علی، فروغ، محسن، کرمی، آسمان حجاز، خدیجه (سلام الله علیها)، قم، نشر حاذق، چاپ اول، ۱۳۸۲ ه.ش.
۲۹. محمدی اشتهااردی، محمد، **حضرت خدیجه، اسوه ایثار و مقاومت**، موسسه انتشارات نبوی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه.ش.
۳۰. معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، انتشارات معین، چاپ اول، ۱۳۸۱ ه.ش.

۳۱. موسسه فرهنگی قدر ولایت، شخصیت و حقوق زنان در رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ه.ش.

۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ه.ش.

۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، جلد ۱، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۷۷ ه.ش.

ب- کتب عربی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، امالی شیخ صدوق، تهران، کتاب چی، ۱۳۷۰ ه.ش.

۲. ابن فراهیدی، محمد خلیل، العین، جلد ۷، قم، موسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ ه.ق.

۳. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین، لسان العرب، جلد ۱۴، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ه.ق.

۴. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، جلد ۲، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ه.ق.

۵. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب، جلد ۳، قم، علامه، چاپ اول، بی تا.

۶. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، (ترجمه ی محمد رحمتی)، جلد ۲، شهرضا، نغمه قرآن، چاپ دوم، ۱۳۹۶ ه.ش.

۷. ابن اثیر، عزالدین، اسد الغابه فی معرفه الصحاب، جلد ۵، مصر، جمعیه المعارف، ۱۲۸۵ ه.ق.

۸. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، جلد ۲، دارالاضواء، ۱۴۰۳ ه.ق.

۹. حرانی، علی بن الحسین ابن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی، ۱۳۸۴ ه.ش.

۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت، دارالقلم الدارالشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ش.

۱۱. زمخشری، محمود، الکشاف، جلد ۱، تهران، ققنوس، ۱۳۸۹ ه.ش.

۱۲. سبزواری، محمد، جامع الاخبار، قم، موسسه آل بیت، ۱۳۷۲ ه.ش.

۱۳. سیوطی، جمال الدین، الدر المنثور فی تفسیر بالامأثور، جلد ۶، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه.ق.

۱۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان، جلد ۲، آل البيت (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه.ش.

۱۵. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، جلد ۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ه.ش.

۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، جلد ۲، قم، ناصر خسرو، ۱۳۸۳ ه.ش.

۱۷. فیض کاشانی، محسن، **تفسیر صافی**، چاپ سوم، تهران، مکتب الصدر، ۱۴۱۵ه.ق.
۱۸. فخر رازی، محمد بن عمر، **مفاتیح الغیب**، جلد۸، تهران، اساطیر، ۱۳۷۱ه.ش.
۱۹. قریشی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، جلد۵، تهران، دارالکتب الاسلامی، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۶ه.ش.
۲۰. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، جلد۱، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵ه.ش.
۲۱. معلوف، لوییس، **المنجد**، محمدبند رریگی، جلد ۱، ایران، انتشارات ذوی القربی، چاپ ششم، ۱۳۸۰ه.ش.
۲۲. مفید، محمد بن محمد، **امالی**، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۴ه.ش.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، جلد۱۶، تهران، کتابچی، چاپ پنجم، ۱۳۸۴ه.ش.
۲۴. نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی، **مستدرک الوسائل**، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) دارالاحیاء التراث، ۱۴۰۸ه.ق.

ج- مقالات

۱. فلاح رفیع، علی، «روش شناسی الگو درانتقال ارزش‌ها»، سال چهارم، شماره ۲، ۱۳۹۱ه.ش.

د- پایان نامه

۱. ارم زیدی، زهرا، «تحقیق پایانی بندهای تاریخی قرآن»، قم، جامعه الزهرا، ۱۳۸۷ه.ش.